

آیا بنگاه‌های اقتصادی اجازه دارند به هر میزانی که می‌خواهند سودآوری کنند؟!

نقطه ایست سودطلبی



ملی‌کردن بنگاه‌ها و بانک‌ها اشاره کرد!

اختیار و مسئولیت ملازمه تام دارند بدین‌طریق که اختیار بدون مسئولیت یا مسئولیت بدون اختیار توجیه عقلی ندارد. گفته می‌شود از آنجا که انسان موجودی است اجتماعی بنابراین مسئولیت اجتماعی دایه‌ای بیس وسیع‌تر از مسئولیت فردی است زیرا حیطه اختیار و مسئولیت افراد بخشی از محدوده اختیار و مسئولیت اجتماعی آنان است و نه برعکس. در آغازین سال‌های سرمایه‌داری رشد شتابان صنعت و تولید و دگرگونی‌های عظیم حاصل آن اندک مجالی به مباحث نظارت عمومی نداد اما رویداد پاره‌ای اتفاقات جهانی سیاسی- اقتصادی نظیر بحران ۱۹۲۹، جنگ دوم جهانی، مسائل زیست‌محیطی، موضوع رفاه اجتماعی و مبحث دولت‌های پاسخ‌گو باعث شد مقوله «مسئولیت اجتماعی» وارد مدار تازه‌ای از تاریخ تکاملی اقتصادی جهان شود.

آیا می‌توانیم این نظریه اقتصادی خرد را که حداکثرکردن سود مستقیما موجب حداکثرشدن منافع اجتماعی می‌شود، بپذیریم؟ پاسخ افراد آموزش‌دیده در دیگر رشته‌ها اغلب واقع‌بینانه‌تر است و می‌توان آن را نیز به این شکل خلاصه کرد که «خیر؛ زیرا سودطلبی بی‌حدوحصر ما را به ناکجا آباد می‌رساند. رشوه، مسائل محیط زیست، محصولات نایم، کارخانه‌های تعطیل‌شده و کارگران آسیب‌دیده می‌تواند با سوددهی بیشتر هم همراه باشد؛ آیا این گزارش امروز مقبول است؟ در واقع ما به چیزی بیش از سود نیاز داریم تا تعهدات شرکت را نسبت به جامعه بسنجیم.»

بحث‌هایی از این نوع، چند فرض را نادیده می‌گیرند و غالبا گمراه‌کننده هستند؛ زیرا بیشتر بازارهای صنعتی کاملا رقابتی نیستند و بنگاه‌های اقتصادی می‌توانند با وجود تولید ناکارا، سود خود را افزایش دهند. از طرف دیگر، هر قدمی در جهت افزایش سود برداشته شود، لزوما موجب افزایش منافع اجتماعی نخواهد شد. عدم کنترل و رسیدگی به آلودگی‌های خطرناک، تبلیغات فریبنده، پنهان‌کردن خطرات محصول فریب، رشوه و فرار از مالیات، منافع جامعه را تهدید می‌کند. شرکت‌ها نیز آنچه را عموم مردم می‌خواهند تولید نمی‌کنند و در عمل نیازهای بخش بزرگی از جامعه (قشر فقیر و محروم) تأمین نمی‌شود؛ زیرا آنها نمی‌توانند به‌طورکامل در بازار شرکت کنند.

حسابرسان به‌عنوان «امین ناظر ملت» یا «ناظر مالی سهام‌داران» در بنگاه‌های مالی- اقتصادی در همین راستا دارای مسئولیت‌های فردی-اجتماعی خاص هستند. مسئولیت اجتماعی حسابرسان آنان را ملزم به پاسخ‌گویی به خواسته‌های گروه‌های مختلف بهره‌بردار از گزارش‌های حسابرسی می‌داند. این گروه‌های مختلف شامل سهام‌داران، شرکا، مدیران، کارکنان این واحدها و همه اقشار و نهادهای دیگری که به انحای مختلف



غلامحسین دونایی

عضو جامعه حسابداران رسمی ایران

موضوع توسعه پایدار و مسائل زیست‌محیطی و همچنین اندیشه رفاه اجتماعی در قالب محتوای علمی و جدید آن دستاورد صنعتی‌شدن جوامع بشری است. مبارزات تهدستستان در جوامع کار و تولید، منجر به ایجاد دو دیدگاه اجتماعی در قبال عملکرد شهروندان و به‌خصوص نظریه‌پردازان بنگاه‌های عظیم اقتصادی شد. این دو دیدگاه یکی مبتنی بر فعالیت‌های آزادی فردی و رهاکردن بازار به‌اصطلاح خودانتظام و دیگری لزوم نظارت تام و راهبری دولت در توسعه پایدار و عدالت اجتماعی به معنی ایجاد فرصت‌های مساوی برای همگان است. دیدگاه نخست که در جهان کنونی به نظریه نتولیبرال‌ها (نتوکان‌ها) شهرت یافته و تئوری‌های ضد جامعه کار و تولید را تحت عنوان «شوک‌درمانی» به کار می‌برد، بر خلاف اندیشه رفاه اجتماعی مدنی اعتقاد دارند که به‌حداکثررساندن سود منجر به رفاه جامعه می‌شود. این نظریه ناخردانه شالوده‌اصل تئوری بقای اقتصادی بوده و بسیار موجز و مشخص توسط «جیمز مک‌کی و میلیتون فریدمن» به شرح ذیل بیان شده است:

«هدف اولیه و عامل انگیزش یک سازمان تجاری، سود است. شرکت سعی می‌کند تا آنجا که می‌تواند سود را به حداکثر برساند تا بدون وسیله کارایی سازمان را حفظ کرده و از مزایای موجود نوآوری و کمک به رشد استفاده کند. سودها از طریق رقابت بازار در حدی معقول و مناسب حفظ خواهند شد و شرکت را به پیگیری منافع شخصی خود تا آنجا که افزایش رفاه عمومی جزئی از تصمیم مدون خود نباشد هدایت می‌کنند.» این دو نفر مدعی هستند که:

«این عقیده به‌طور گسترده پذیرفته شده است‌که مقامات و مسئولان شرکت، یک مسئولیت اجتماعی دارند که بسیار فراتر از کسب سود و منافع برای سهام‌داران و اعضای خود است. این دیدگاه نمایانگر برداشتی اساسا غلط از ویژگی و ماهیت و طبیعت یک اقتصاد آزاد است. در چنین اقتصادی، شرکت فقط و فقط یک مسئولیت اجتماعی دارد: استفاده از منابع خود و شرکت در فعالیت‌هایی که به‌منظور افزایش سود آنها طراحی شده است تا آنجا‌که در محدوده قواعد بازی باقی بماند، یعنی مشارکت در رقابتی آزاد و رایگان بدون هرگونه فریب و دغل‌کاری و… روند‌های محدودی قادرند تا این حد، پایه‌های محکم جامعه ما را سست کنند که مدیران سعی کنند تا حد امکان برای سهام‌داران خود پول بسازند.» یا «بازارهای آزاد کاملا رقابتی، سودجویی به خودی خود تضمین به یک شرکت تجاری تحمیل نکنند و به کسب سود بپردازند و خود را به تولید مؤثر آنچه جامعه ارزش می‌نهد مشغول کنند، اعضای جامعه بیشترین بهره را خواهند برد (نقل از کتاب سرمایه‌داری و آزادی، نوشته میلیتون فریدمن).»

نظر میلیتون فریدمن که بعدها به مشرق شیب (نتولیبرال‌ها) تبدیل شد بر شعار «مسئولت اجتماعی یک مجموعه تجاری، افزایش سود خود است»، استوار است که در نهایت خود به جنگ‌طلبی و نظامی‌گری گرایش دارد و به مکتب شیکاگو مشهور شده در دهه ۱۹۸۰ از طریق تدوین و اجرای سیاست‌های ویرانگر اقتصادی است که در قبال رسوایی‌های اخیر بازار جهانی سرمایه نیز ساکت باقی مانده، به‌طوری‌که سردمداران همین نظریه ورشکست‌شده ناچار شدند از دولت بخواهند «تا از طریق دخالت در بازارها و بعضا ملی‌کردن بانک‌ها و صنایع آنان را از ورشکستگی به هزینه مردم نجات دهند، همان مردمی که ایبان در نظریه‌هایشان آنان را به حساب نمی‌آوردند». به‌طوری‌که مجله وال‌استریت‌ژورنال به طنز در مقاله‌ای به بازگشت پیروزمندانه مارکس در پاسخ به

ضرورت هیچ قانونی ندارد

ادامه از صفحه اول
از این منظر، کینز به تعبیر جف مان، به روبسیپر نزدیک می‌شود، مبردی که تلاش می‌کرد در انقلاب خشونت‌بار فرانسه با ایده «فقرا آبرومندان» مانع فروپاشی انقلاب شود؛ چراکه باور داشت اگر فقرا چیزی برای ادرست‌دادن داشته باشند، رودروری انقلاب نخواهند ایستاد. روبسیپر به‌خوبی قانون ضرورت‌ها را تشخیص داده بود، ضرورت‌هایی که خود را تحمیل می‌کردند و طبقات ذی‌نفع جامعه آن زمان یعنی بورژوازی، ناگزیر بود برای بقای خود



خبر ویژه

نماینده ولی فقیه در هرمزگان:

پالایشگاه ستاره خلیج فارس افتخار نظام است



فارس را برنامه‌ریزی کرده‌ایم که در این راستا با اولویت نیروی بومی ماندگار با برگزاری آزمون تخصصی اقدام به جذب نیرو خواهیم کرد.
او ادامه داد: ساخت و تجهیز بیمارستان نفت ستاره خلیج فارس را دنبال خواهیم کرد و در زمینه آموزش جوانان نیز با برگزاری دوره‌های آموزشی تخصصی فنی و حرفه‌ای و همکاری با مراکز دانشگاهی و دانش‌بنیان برای جوانان در ارتقای سطح علمی هم‌استانی‌های خود در تلاش هستیم. او در پایان نیز به استقرار حساب‌ها و پرداخت مالیات شرکت در هرمزگان اشاره کرد و خاطر‌نشان کرد: پرداخت مالیات و حساب‌های شرکت نفت ستاره خلیج فارس تماما در استان هرمزگان متمرکز است.

با این واحدها سرورکار دارند، نظیر مصرف‌کنندگان، ارائه‌دهندگان خدمات و کالا، دولت، بانک‌ها و… می‌شود. درواقع در گذشته نه‌چندان دور انتظار جامعه از حسابرسان بیشتر تأکید بر مسئولیت‌های فردی حسابرسان (رعایت ضوابط اخلاقی و حفظ استقلال آنها) بود؛ درحالی‌که در دو دهه اخیر موضوع مسئولیت اجتماعی حسابرسان به‌صورت پاسخ‌گویی به افراد مختلفی که در بالا به آن اشاره شد، سایه سنگینی بر درک قبلی از حسابرسی افکنده است. این رویکرد جدید در واقع ناشی از آن است که هر بنگاه یا واحد اقتصادی نیز دارای مسئولیت اجتماعی تعریف‌شده‌ای است. بنابراین رویکرد بنگاه‌های اقتصادی نمی‌تواند صرفا به سود به‌عنوان انگیزه و هدف نهایی عملکردی خود بنگرد، بلکه این بنگاه‌ها باید وظایف و تصدی‌گری اجتماعی خود را به نحو احسن ارائه دهند تا خدمات و کالاهای آنان مقبول جامعه باشد و از طرف دیگر تولیدات و خدمات آنها محل محیط زیست و توسعه پایدار نباشد که چنانچه از این رهگذر سود بیشتری حاصل بنگاه‌ها شود، تعرضی به آنها نخواهد شد. در این راستا وظیفه حسابرسان که سابقا صرفا بازرسی اسناد و مدارک بودند، به بررسی و اظهارنظر درباره عملکرد و آمار و ارقام صورت‌های مالی و سود ناشی از دوره مالی تغییر یافته است. بدیهی است عملکرد مدیران و ارقام صورت‌های مالی و بالطبع سود که نتیجه اقدامات مدیران و حق‌السهم سهام‌داران است، همگی از مؤلفه‌های نظریه رفاه اجتماعی به شمار می‌روند. اما مسئولیت اجتماعی در چارچوب نظریه رفاه اجتماعی فقط به سود اکتفا نخواهد کرد.

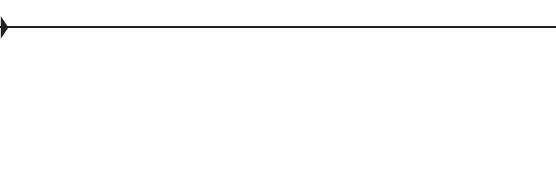
حسابرسان تا آنجا که اظهارنظر آنان حرفه‌ای در چارچوب استانداردهای حسابرسی است، دارای مسئولیت فردی خاصی نظیر استقلال رای، آموزش و… هستند، اما با تسری این اظهارنظر به دایره نظریه رفاه اجتماعی، دارای مسئولیت اجتماعی بوده و در محدوده رعایت قوانین توسط بنگاه‌های اقتصادی، مسئولیت قانونی نیز دارند. علاوه بر این مسئولیت‌های مدنی حسابرسان که عمدتا از مسئولیت‌های قانونی آنها ناشی می‌شود نیز امروزه دامنه وسیعی به خود گرفته و شامل مسئولیت‌های اجتماعی شده که خود دارای محدوده وسیعی نظیر رعایت مقررات سازمان بین‌المللی کار، سازمان جهانی شفاف‌سازی، مرکز جهانی مبارزه با فساد و دفتر مبارزه با پول‌شویی بانک جهانی می‌شود. نکته حائز اهمیت آنکه تدقیق در انواع مسئولیت‌های حسابرسان خودبه‌خود به‌نوعی محدودکننده و سامان‌دهنده انگیزه سودآوری و سودسازی مدیران خواهد شد. این امر برخاسته از اولین ویژگی حرفه‌ای حسابرسان یعنی پذیرش وظیفه خدمت به جامعه است. با بررسی آیین رفتار حرفه‌ای حسابرسان شاید بتوان گفت مسئولیت حسابدار حرفه‌ای (حسابرس) تنها به تأمین نیازهای صاحبکار یا کارفرما محدود نمی‌شود و

رفع نیازهای طیف وسیعی از اشخاص را در بر می‌گیرد. به همین دلیل، استانداردهای حرفه‌ای نیز به نحو چشمگیری تحت تأثیر ملاحظات منافع عمومی تدوین می‌شود. از سوی دیگر، شأن و منزلت اجتماعی حسابرسان آنگاه میسر است که آنان سطح خدمات خود را چنان تعیین کنند که شایسته اعتماد مردم باشند. مسئولیت قانونی حسابرسان که عمدتا در چارچوب احکام ناظر بر رعایت مجموعه قوانین مرتبط با بنگاه‌های اقتصادی است، خود به‌نوعی بازگوی مسئولیت اجتماعی حسابرسان نیز هست؛ زیرا تخطی از قانون لزوما یکی از مؤلفه‌های اجتماعی را مورد تعرض قرار می‌دهد که بر بنیاد نظریه رفاه اجتماعی قابل گذشت توسط حسابرسان نیست.

در مقام مقایسه اینکه کدامیک از مسئولیت‌های حسابرسان اهمیت بیشتری دارد، واقعیت آن است که با کمی تدقیق مشخص می‌شود مسئولیت‌های اجتماعی حسابرسی بسی فراتر از مسئولیت‌های حرفه‌ای (که برگرفته از آیین رفتار حرفه‌ای است) و مسئولیت‌های قانونی آنان است. برای روشن‌شدن موضوع مثال ذیل بیان می‌شود. وکلا و اطبا و سایر افراد حرفه‌ای که به مردم خدمت می‌کنند، مستقیما با آنها قرارداد می‌بندند و فقط در مقابل طرف قرارداد مسئولیت دانسته و منافع قرارداد نیز نصیب آنها می‌شود؛ اما فعالیت حسابرسان مورد استفاده اشخاصی قرار می‌گیرد که طرف قرارداد هم نیستند. این امر از آنجا ناشی می‌شود که در واقع اتکای مردم، دولت و جامعه کار و تولید به گزارشگری مالی صحیح و اهمیت این موضوع از لحاظ جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی زندگی، مسئولیت‌های خاصی را بر حسابداران رسمی تحمیل می‌کند.

این مسئولیت‌ها روزبه‌روز به دلیل تفکیک مالکیت از مدیریت و دورشدن مدیران از سهام‌داران و اتکای افزاینده جامعه به اطلاعات گواهی شده حسابرسان، بیشتر و بیشتر شده و به همین میزان، این مسئولیت فراکبر و حاد می‌شود؛ زیرا مدیران بنگاه‌ها ترجیح می‌دهند که مسئولیت‌های خود را متوجه حسابرسان کنند. خانم Wallace (۱۹۸۶) استدلال می‌کند که فرضیه‌های نظارت، اطلاعات و بیمه فراهم‌کننده شواهد کافی برای استفاده مدیران از خدمات حسابرسان مستقل است. طبق فرضیه بیمه مدیران برای کاهش هزینه نمایندگی و پیشگیری از تعدیل حقوق و مزایای خود از سوی مالکان، از انگیزه برای انجام حسابرسی مستقل برخوردار هستند. در فرضیه اطلاعات، انگیزه مدیران از حسابرسی مستقل، تأکید بر اطلاعات مالی به‌عنوان ابزاری برای بهبود تصمیم‌گیری‌های درون‌سازمانی از طریق بهبود در کیفیت اطلاعات حاصل می‌شود. طبق فرضیه بیمه، تقاضا برای حسابرسی با میزان دعاوی حقوقی که مدیران را تهدید می‌کند، ارتباط مستقیم دارد. چنانچه بتوان مسئولیت مالی داده‌های گزارش‌شده را به حسابرسان منتقل کرد، دراین‌صورت طرح دعاوی حقوقی علیه مدیران و اعتباردهندگان و سایر اشخاص حرفه‌ای در بازارهای اوراق بهادار به‌طور چشمگیری کاهش می‌یابد؛ بنابراین با افزایش دعاوی حقوقی علیه مدیران و سایر افراد و گروه‌های حرفه‌ای فعال در عرصه واحدهای اقتصادی انتظار می‌رود تقاضای بیمه‌ای برای حسابرسی افزایش یابد. اگر مردم را استفاده‌کننده اصلی صورت‌های مالی بنگاه‌ها- به‌مثابه سهام‌داران و ذی‌نفعان دایره رفاه اجتماعی- بدانیم، همان‌طورکه در تجارت معروف است که «مشتری پادشاه است» در حسابرسی نیز گفته می‌شود صاحب‌کار فقط مردم هستند و به همین علت چنانچه قرار باشد حسابداران رسمی در خدمت جامعه قرار گیرند، باید در مقابل صاحب‌کاران خود از یک طرف مسئول و از طرف دیگر دارای بالاترین درجه استقلال باشند تا در ارائه اظهارنظر حسابرسی مضنهان و واقع‌بینانه قضاوت کنند. به همین علت در بنگاه‌های اقتصادی سهام‌داران عمده نمی‌توانند صرفا به اتکای آرای بیشتر خود در انتخاب مناقضه‌های حسابرسان اقدام کنند؛ زیرا این عمل به نوعی حسابرسان را به سهام‌داران عمده وابسته و استقلال آنها را مخدوش می‌کند.

نگاهی به طیف گروه‌های ذی‌نفع گزارش‌های حسابرسی نشان می‌دهد که سهام‌داران، مدیران، کارکنان، مصرف‌کنندگان کالا یا خدمات، توزیع‌کنندگان، تأمین‌کنندگان مواد اولیه محصول، دستگه‌های ناظر بر حسن اجرای قوانین، سازمان‌های پاسدار محیط زیست، مردم محل، رقبا، بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی- اعتباری و رسانه‌ها همگی طرف حساب حسابداران رسمی هستند که با توجه به عقاید و نظرات گوناگونی که درباره مردم‌سالاری و نظارت از پایین و بالا در جوامع وجود دارد، حسابداران رسمی در قبال این اقتشار وسیع، دیگر نمی‌توانند به این عقیده که مسئولیت اصلی بنگاه‌ها صرفا مسئولیت اقتصادی است، اتکا کنند؛ زیرا احیات نهادهای و بنگاه‌های اقتصادی بسگی مستقیم به حیات جامعه دارد؛ بنابراین چون مسئولیت‌های بنگاه‌ها همه‌جانبه و فراکبر است، حسابرسان و حسابداران رسمی هم در قبال این مسئولیت‌ها باید اظهارنظر و قضاوت کنند که آیا این بنگاه‌ها فارغ از اعداد و ارقام مالی توانسته‌اند مسئولیت مأموریت اساسنامه‌ای خود را که همانا رفع یکی از معضلات (تولید باکیفیت، رعایت موارد زیست‌محیطی، کالای رقابتی و…) جامعه است، انجام دهند؟ این مهم به‌ویژه با اجرائی‌شدن اساسنامه جامعه حسابداران رسمی از سال ۱۳۸۰ و اجرای قانون بازار سرمایه از سال ۱۳۸۵ و مسئولیت‌های تعریف‌شده برای حسابداران رسمی که روزبه‌روز هم بیشتر می‌شود، بسیار درخور توجه است.



حتی ایده «فقرا آبرومندان» کارکرد خود را از دست خواهد داد و در این شرایط است که دیگر ضرورت‌ها حکم می‌کند، ضرورت‌هایی که هیچ قانونی ندارند.

❖ **هیچ نوشتن این یادداشت از مقاله «آگاهی طبقاتی احتمالی و الزامی» نوشته ایستوان مزاروش، ترجمه فریبرز فرشیم و نرمین برهانی و کتاب «در بلندمدت همه مرده‌ایم» کتیزگرایی، اقتصاد سیاسی و انقلاب» نوشته جف مان، ترجمه سامان صفرزایی استفاده کرده‌ام.**

جامعه ایران از رویدادهای سال‌های ۸۸ و ۹۶ و ۹۸ طرفی نیست و به آن چیزی منتهی شد که رؤیای سرمایه‌داری راکنی است؛ اتمیزشدن گروه‌های جامعه و طبقات و در معنای دیگری هم‌گرایی و مساوی‌سازی طبقات اجتماعی. طبقاتی که از تضادها بورژوازی (متوسط) را که در زمانه خود به شیوه غریزی در پی مدنیت بود - همان مدنیتی که بی‌شباهت به مدنیت کینز نبود- به طبقه فراکبر تبدیل‌کنند و بیش از آنکه درصدد ایجاد مدل اقتصادی نزدیک به اقتصاد کینزی باشند، راه به جایی دیگر بردند

از عجایب میهن دوستی

اما غیر از این؛ در ۳۰ سال اخیر و بعد از فروپاشی بلوک شرق و بی‌رقیب‌شدن غرب در همین خاورمیانه. در این ۳۰ سال از ۱۹۹۱ تا ۲۰۲۱، غرب هر کاری در خاورمیانه خواسته انجام داده. کشور تکه‌تکه کرده، حکومت تغییر داده، جنگ را انداخته و هر کار دیگر. اما حاصل این دخالت مستقیم مثلا در عراق و لیبی برای مردم چه بوده؟ دموکراسی؟ حقوق بشر؟ یا حتی رونق اقتصادی؟ کدام‌یک؟ بسیاری بر گرایش به شرق ایران خرده می‌گیرند و آن را به وابسته‌شدن و زیر سلطه رفتن تعبیر می‌کنند و می‌گویند این رابطه ایران را تبدیل به عروسکی در دست روسیه و چین خواهد کرد یا حتی آمریکا که جدیدا می‌گوید ایران باید بین برجام و وابستگی به روسیه یکی را انتخاب کند. دقت کنید، از سال ۲۰۰۳ تا امروز هر روز تحریم‌های بیشتری علیه ایران وضع شده و نامش را گذاشته‌اند تحریم‌های فلج‌کننده و همه شریان‌های اقتصادی را به روی ایران بسته‌اند و حتی با وجود توافق برجام، ایران را از همه چیز محروم کرده‌اند، تا آنجا که به ریزرتین موضوعات مثل صادراتش ویزا! برای ورزشکاران ایرانی هم رسیده‌اند و بعد می‌گویند با برجام با رابطه با

ادامه از صفحه اول

